

Paralegal in the America and Iran Legal System

Nahid Safari*

*Assistant professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities,
University of Maragheb, Maragheb, Iran.*

Abstract

Paralegal is one of the official jobs in the American legal system. Paralegal refers to people who assist lawyers in providing legal services. In Iran's legal system, despite the informal presence of some people as paralegal in lawyers' offices, this profession is not officially provided in the statute. In this research, paying attention to this profession as a way to solve part of the unemployment problems of legal graduates and to benefit from advantages such as facilitating the work of lawyers and increasing the quality of their services and improving access to justice has been considered. Considering that the lack of legalization of this profession in practice has created obstacles for lawyers and deprived Iranian lawyers of fully benefiting from the advantages of this profession, in this research, considering the positive experience of America in using paralegals, while introducing the paralegal in this legal system, by examining the advantages and obstacles of this profession in Iran's legal system, the feasibility of its acceptance has been studied. Legalizing this profession and determining its precise conditions in the laws and removing the existing obstacles is the author's suggestion to benefit from the positive effects of this profession and solving part of the employment problems. This research is written with a comparative approach and descriptive and analytical method. The method of collecting information is library and field working. In order to investigate the obstacles of this profession in practice in Iranian law, a questionnaire was compiled and we interviewed with a number of lawyers who used Paralegals in practice, and by evaluating and analyzing the information obtained, the advantages and obstacles of this profession in practice were explained.

Keywords: paralegal, legal assistance, apprentice, american law.

* **Email:** andishe.ns@gmail.com (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۵، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۱۷۹ تا ۲۰۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

دستیار وکیل در نظام حقوقی آمریکا و ایران

اناهید صفری*^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

چکیده

دستیاری وکیل یکی از مشاغل رسمی در نظام حقوقی آمریکاست. منظور از دستیار وکیل افرادی هستند که در ارائه خدمات حقوقی به وکلا مساعدت می‌کنند. در نظام حقوقی ایران علی‌رغم حضور غیررسمی برخی افراد به‌عنوان دستیار در دفاتر وکلا، این حرفه به‌طور رسمی در قوانین پیش‌بینی نشده است. در این پژوهش توجه به این حرفه به‌عنوان راهکاری جهت حل بخشی از مشکلات بیکاری فارغ‌التحصیلان حقوقی و بهره‌مندی از مزایایی همچون تسهیل کار وکلا و افزایش کیفیت خدمات آن‌ها و ارتقای دسترسی به عدالت مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه قانونمند نبودن این حرفه در عمل موانعی برای وکلا به وجود آورده و وکلای ایرانی را از بهره‌مندی کامل از مزایای این حرفه محروم کرده است، در این پژوهش با توجه به تجربه مثبت آمریکا در استفاده از دستیاران، ضمن معرفی دستیار وکیل در این نظام حقوقی، با بررسی مزایا و موانع این حرفه در نظام حقوقی ایران، امکان‌سنجی پذیرش آن مورد مطالعه قرار گرفته است. قانونمند کردن این حرفه و تعیین شرایط دقیق آن در قوانین و رفع موانع موجود، پیشنهاد نگارنده در جهت بهره‌مندی از آثار مفید این حرفه است. این پژوهش با رویکردی تطبیقی و به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است. روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. جهت بررسی موانع این حرفه در عمل در حقوق ایران، پرسش‌نامه و مصاحبه با تعدادی از وکلای دادگستری‌ای که در عمل از دستیاران استفاده کرده‌اند، تدوین شده و با ارزیابی و تحلیل اطلاعات حاصل شده، مزایا و موانع این حرفه در عمل تبیین شده است.

واژگان کلیدی: دستیار وکیل، دستیار حقوقی، کارآموز وکالت، حقوق آمریکا.

مقدمه

بحران بیکاری از ابعاد مختلف مورد توجه صاحب‌نظران و قانونگذار قرار گرفته است. تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار بر بازار کار یکی از اقدامات قانونی در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. با توجه به دغدغه جدی قانونگذار در رفع مشکلات اشتغال و انتقادات وارده بر قانون اخیر، یکی از راهکارهای حل این معضل اجتماعی را باید ایجاد فرصت‌های شغلی جدید دانست. از این منظر در این مقاله، به حرفه دستکاری وکیل به‌عنوان راهکاری برای حل مشکلات اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوق توجه شده است. به‌علاوه استفاده از دستیاران از طرف وکلا واجد مزایایی از جمله مزایای اقتصادی، افزایش رضایت موکل، بهبود کیفیت زندگی و کار وکیل است.

دستیار وکیل یکی از مشاغل رسمی در نظام حقوقی آمریکاست. منظور از دستیار وکیل افرادی هستند که از طریق آموزش و داشتن تجربه در ارائه خدمات حقوقی به وکلا کمک می‌کنند. در نظام حقوقی ایران، این حرفه به‌صورت رسمی در قوانین پیش‌بینی نشده است. از این رو در حال حاضر وکلا برای انجام امور اداری خود یا مجبور به مراجعه شخصی به مراجع قضائی و ادارات ذی‌ربط هستند و یا از برخی اشخاص به‌طور غیررسمی در دفاتر خود به‌عنوان دستیار استفاده می‌کنند که در عمل هر دو راه‌حل با مشکلاتی همراه است. به‌لحاظ مزایای متعدد این حرفه در حقوق آمریکا و مفید بودن آن در عمل، در پژوهش حاضر ضمن تأکید بر ضرورت توجه به این حرفه، با توجه به قانونمند نبودن حرفه دستکاری در حقوق ایران، در پی پاسخ به این سؤالات هستیم که مزایای این حرفه در عمل چیست؟ با توجه به ساختار نظام حقوقی ایران و شرایط وکلا چه موانعی در بهره‌مندی از مزایای مطرح‌شده وجود دارد؟ در صورت شناسایی قانونی این حرفه، چه وظایف و تعهداتی برای دستیاران و وکلا متناسب با ساختار حقوق ایران خواهد بود؟

در حقوق داخلی، این موضوع مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و هیچ پژوهش داخلی در این خصوص ملاحظه نمی‌شود. از این رو توجه به این موضوع می‌تواند واجد آثار عملی مفیدی در حقوق ایران باشد. با توجه به استفاده عملی برخی وکلا به‌صورت غیررسمی از دستیار، استفاده از تجارب وکلا منبع مهمی برای بررسی موضوع در حقوق ایران است. از این رو در راستای تشخیص صحیح موانع اجرایی این نهاد در حقوق ایران، اقدام به تدوین پرسش‌نامه و مصاحبه با تعدادی از وکلای دادگستری در نقاط مختلف ایران و استفاده از تجارب آن‌ها شده است. پژوهش حاضر در دو مبحث اصلی تدوین شده است. ابتدا به معرفی دستیار وکیل در نظام حقوقی آمریکا پرداخته‌ایم. سپس بررسی این حرفه در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گرفته است. مزایا و موانع

این حرفه و وظایف و تعهدات دستیاران و وکلا در قبال یکدیگر از موضوعات مورد بررسی در حقوق ایران است.

۱. معرفی دستیار وکیل در نظام حقوقی آمریکا

۱-۱. تعریف دستیار وکیل

در نظام حقوقی آمریکا برای دستیار وکیل از دو اصطلاح «دستیار وکیل»^۱ و «دستیار حقوقی»^۲ استفاده می‌شود. در متون قانونی نیز گاه از این دو اصطلاح به‌طور مترادف استعمال شده است. مطابق با تعریف کانون وکلای آمریکا در سال ۱۹۹۷ «دستیار حقوقی یا دستیار وکیل شخصی است که دارای تحصیلات، تخصص یا تجربه کاری است و توسط وکیل، دفاتر وکالت، شرکت‌ها یا سازمان‌های دولتی یا سایر نهادهای ذی‌ربط استخدام می‌شود تا امور حقوقی را از طرف وکیل انجام دهد» (American Bar Association Standing Committee on Paralegals, 2018:5). در این تعریف دو اصطلاح دستیار وکیل و دستیار حقوقی به‌طور مترادف به‌کار رفته‌اند. در ۱۷ فوریه سال ۲۰۲۰ کانون وکلای آمریکا به‌منظور یکسان کردن اصطلاحات، عبارت دستیار حقوقی را از تعریف قبلی حذف کرد. با وجود این در برخی از ایالات ممکن است استعمال یک اصطلاح رایج‌تر از دیگری باشد یا اینکه معنای خاصی را القا کند (Cannon, 2011:76).

فدراسیون ملی انجمن‌های دستیار^۳ و سازمان ملی دستیاران (نالای)^۴ نیز از جمله نهادهایی هستند که جهت سازمان‌دهی به این نهاد در حقوق آمریکا فعالیت می‌کنند و تعاریف مشابهی از این حرفه ارائه داده‌اند. در ژوئیه ۲۰۰۱ اعضای نالا با تصویب قطعنامه‌ای، تعریف کانون وکلا از دستیار وکیل را مورد پذیرش قرار داد. فدراسیون ملی انجمن‌های دستیار نیز تعریف مشابهی را پذیرفت. از نظر این فدراسیون دستیار شخصی است که از طریق تحصیل، آموزش یا تجربه واجد شرایط برای انجام امور ماهوی حقوقی است که به دانش مفاهیم حقوقی نیاز دارد و به‌طور معمول اما نه منحصر، توسط وکیل انجام می‌شود. این شخص ممکن است توسط وکیل، دفتر حقوقی،

1. Paralegal

2. legal assistant

3. National Federation of Paralegal Associations (NFPA)

فدراسیون ملی مجمع دستیاران در جهت سازمان‌دهی به حرفه دستیار در سال ۱۹۷۴ ایجاد شد. این فدراسیون با هدف فراهم کردن ساختار لازم جهت توسعه این حرفه در آینده فعالیت می‌کند. در حال حاضر این فدراسیون به بیش از ۵۰ انجمن در سراسر ایالات متحده، انگلستان و تقریباً ۱۰,۰۰۰ ایالت تسری یافته است.

4. The National Association of Legal Assistants, Inc. (NALA)

نهاد دولتی یا نهاد دیگری استخدام شود یا ممکن است توسط مقامات اداری، قانونی یا دادگاه به انجام این کار مجاز باشد. منظور از امور ماهوی، اموری است که مستلزم شناخت، ارزیابی، سازمان‌دهی، تجزیه و تحلیل و انتقال وقایع مربوطه و مفاهیم حقوقی است (2: National Federation of Paralegal Associations, 2011).

به لحاظ کاربرد گسترده دستیار وکیل، هر یک از ایالات نیز اقدام به تعریف این حرفه در قوانین داخلی خود کرده‌اند. کالیفرنیا اولین ایالتی بود که دستگیری را در قانون خود تعریف و برای اشتغال به دستگیری حداقل شرایط را مقرر کرده است (96: Crossett, 2017). تعریف و شرایط مندرج در کد تجارت و مشاغل^۱ مصوب ۲۰۰۱ کالیفرنیا و قوانین سایر ایالات از جمله فلوریدا و نیومکزیکو مشابه با تعاریف مطرح شده است. داشتن تحصیلات یا آموزش یا تجربه کاری، کار تحت نظارت وکیل و انجام امور حقوقی ماهوی نقطه اشتراک تمام تعاریف است (4: Statsky, 2016).

۲-۱. وظایف دستیار وکیل

بررسی سیر تاریخی حرفه دستگیری مؤید آن است که در گذر زمان با توسعه وظایف دستیاران، نقش این حرفه تغییر یافته است. به نحوی که در ابتدا وظایف دستیاران بیشتر شبیه وظایف منشی بود و به تدریج به یک حرفه تخصصی تبدیل شده است. برخی نویسندگان شناسایی این حرفه توسط نهادهای قانونی به‌ویژه کانون وکلای آمریکا را در این تغییرات مؤثر دانسته و به بررسی وظایف و موقعیت حرفه‌ای دستیاران قبل و بعد از تعریف کانون وکلای آمریکا پرداخته‌اند.^۲

در نظام حقوقی آمریکا وکلا با حفظ مسئولیت کار می‌توانند وظایف معمول خود را به دستیاران واگذار کنند. ماده ۳ تا ۶ کد مدل کانون وکلای آمریکا به سه نوع وظیفه خاص اشاره می‌کند که دستیاران می‌توانند تحت نظارت وکیل انجام دهند: تحقیقات عملی، تحقیقات حقوقی و تهیه اسناد قانونی. ایالات مختلف وظایف خاص‌تری را در دستورالعمل‌های خود پیش‌بینی کرده‌اند. شرکت در جلسات موکلان، تحصیل اطلاعات از موکلان، ملاحظه و بررسی اسناد، تهیه نامه‌های ارسالی و نگهداری حساب‌های امانی املاک یا سرپرستی از جمله این وظایف است (American Bar Association Standing Committee on Paralegals, 2018: 6).

1. Business and professions code

۲. برای مطالعه در خصوص تغییر نقش و وظایف دستیاران وکیل ر.ک.:

Mongue, R. (2017), "From Apprentice to Paralegal: The Rise of the Paralegal Profession in America", *Issues Leg. Scholarsh*, No.15(1).

علی‌رغم گستردگی محدوده وظایف دستیاران، تفویض برخی وظایف به موجب برخی قوانین از جمله قانون رفتار حرفه‌ای وکلا و حکم دادگاه به غیروکلا ممنوع است. در تفسیر اصل دو راهنمای مدل کمیته دائمی دستیاران کانون وکلای آمریکا نیز محدودیت‌هایی برای دستیاران مقرر شده است. از جمله اینکه دستیاران نمی‌توانند به رویه‌های حقوقی غیرمجاز بپردازند. البته در قوانین مدل، رویه‌های حقوقی غیرمجازاً تعریف نشده است. با وجود این، معمولاً در تفسیر این اصل گفته می‌شود که به‌طور کلی دستیاران نمی‌توانند در مراجع قضاوت‌کننده حاضر شوند (American Bar Association Standing Committee on Paralegals, 2018: 6). همین نکته می‌تواند موجب تفاوت مفهوم دستیاری از نمایندگی حقوقی شود که جهت شرکت در جلسات دادگاه و دفاع از دعوا به آن‌ها نمایندگی داده می‌شود. اکثر دستورات‌العمل‌های ایالتی نیز به این مسئله توجه و به‌عنوان یک اصل کلی تصریح می‌کنند که دستیاران جز در موارد مصرح قانونی، حق حضور در مراجع قضائی ندارند.

از دیگر محدودیت‌ها عدم امکان تفویض مسئولیت ایجاد رابطه وکیل و موکل، مسئولیت نظر حقوقی ارائه‌شده به موکل، مسئولیت تعیین مبلغ خدمات حقوقی به دستیاران است. البته دستیاران ممکن است مستقیماً با موکل ارتباط برقرار کنند، به شرطی که توصیه‌های حقوقی وکیل را تفسیر یا گسترش ندهند (American Bar Association Standing Committee on Paralegals, 2018: 9). در اکثر قوانین ایالتی نیز وظایف قابل تفویض به دستیاران مشخص شده است. علی‌رغم تشابه وظایف دستیاران در ایالات مختلف، در برخی ایالات محدودیت‌های کم‌تری وجود دارد. برای مثال آریزونا اولین ایالتی است که اجازه تقسیم حق الوکاله بین وکیل و دستیار را داده است. همچنین در این ایالت به دستیاران اجازه داده می‌شود که در زمینه حقوق خانواده، دعاوی کیفری کوچک و دعاوی مدنی خرد، مشاوره حقوقی دهند. از نظر برخی نویسندگان، سایر ایالات نیز ممکن است به زودی از این روند پیروی کنند (Buchholz et al., 2021: 2).

۳-۱. شرایط دستیار وکیل

سازمان ملی دستیاران شرایطی را برای ورود به حرفه دستیاری پیش‌بینی کرده است. این شرایط عبارت‌اند از:

۱. دریافت موفقیت‌آمیز گواهی‌نامه دستیاری در آزمون دستیاری نالا؛

۲. فارغ‌التحصیلی از برنامه تحصیلی مورد تأیید کانون وکلا برای دستیار؛
 ۳. فارغ‌التحصیلی از یک دوره تحصیلی برای دانشجویان دستگیری از مؤسسات معتبر و گذراندن حداقل ۶۰ ساعت آموزش؛
 ۴. فارغ‌التحصیلی از دوره تحصیلی برای دستیاران به غیر از موارد ذکر شده در بندهای (۲) و (۳) به علاوه حداقل شش ماه آموزش درون‌سازمانی به‌عنوان دستیار؛
 ۵. مدرک کارشناسی در هر زمینه به علاوه حداقل شش ماه آموزش داخلی به‌عنوان دستیار؛
 ۶. حداقل سه سال تجربه مرتبط با حقوق زیر نظر وکیل و حداقل شش ماه آموزش داخلی به‌عنوان وکیل قانونی یا دو سال آموزش داخلی به‌عنوان دستیار (Nala, 2018: 5).
- از نظر این مدل «آموزش داخلی به‌عنوان یک دستیار» به معنای آموزش وکیل به دستیار در مورد وظایف دستگیری است. این مدل حداقل مدارک لازم را برای یک دستیار را زمینه‌های کاری مرتبط با حقوق و سوابق تحصیلی رسمی مرتبط می‌داند.
- آزمون دستگیری برای دریافت گواهی دستگیری که توسط نالا در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد، یک برنامه صدور گواهینامه داوطلبانه در سراسر کشور است. این گواهینامه به‌عنوان وسیله‌ای برای احراز صلاحیت دستیاران در قوانین دیوان عالی و دادگاه‌های ایالتی و دستورالعمل‌های کاربردی کانون وکلا به رسمیت شناخته شده است. امکان صدور این گواهینامه برای همه اشخاص دارای شرایط آموزشی و تجربی وجود دارد. همچنین دستیاران دارای گواهی می‌توانند از طریق صدور گواهینامه پیشرفته دستگیری^۱، گواهینامه پیشرفته را در زمینه‌های تخصصی دریافت کنند (Nala, 2018: 6). در قوانین ایالتی نیز شرایط نسبتاً مشابهی برای دستیاران پیش‌بینی شده است.^۲

۴-۱. اصول حاکم بر استفاده از خدمات دستیار وکیل

کمیته دائمی دستیاران کانون وکلای آمریکا راهنمایی برای استفاده از خدمات دستیاران وکیل تصویب کرده است. انجمن ملی دستیاران نیز اصول مشابهی را در کد اخلاق و مسئولیت حرفه‌ای برای دستیاران تصویب کرده است. در اکثر ایالات نیز با توجه به اصول اخیر، دستورالعمل‌های مشابهی تصویب شده است. این دستورالعمل‌ها راهنمایی‌های مفیدی در رابطه با کار با دستیاران به

1. Advanced Paralegal Certification (APC)

۲. برای مطالعه قوانین ایالتی ر.ک.

Crossett. L. (2017), Regulation of the Paralegal Profession and Programs for Limited Practice by Non-Lawyers.

وکلا ارائه می‌دهند. با توجه به اینکه شناخت این اصول در شناخت بهتر این حرفه در نظام حقوقی آمریکا راهگشا خواهد بود، در این مبحث به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱-۴-۱. اصول حاکم بر استفاده از خدمات دستیاران وکیل در راهنمای مدل کمیته دائمی دستیاران کانون وکلای آمریکا

کمیته دائمی دستیاران کانون وکلای آمریکا در سال ۱۹۹۱ در راستای ارائه راهنمایی به وکلا در کار با دستیاران اقدام به تصویب راهنمای مدل نحوه استفاده از دستیاران کرد. اصول مهم این راهنما عبارت‌اند از:

اصل ۱- وکیل مسئول تمام اقدامات حرفه‌ای است که به دستور او توسط دستیار انجام می‌شود و باید اقدامات منطقی جهت حصول اطمینان از انطباق رفتار دستیار با تعهدات وکیل در قوانین رفتار حرفه‌ای حوزه قضائی انجام دهد.

اصل ۲- وکیل به شرط حفظ مسئولیت نتیجه کار می‌تواند وظایف معمول خود را به دستیار واگذار کند. وظایفی که طبق قانون، حکم دادگاه یا مقررات اداری و مراجع قانونی و قانون رفتار حرفه‌ای حوزه قضائی محل فعالیت وکیل به غیر وکیل ممنوع است، قابل تفویض به دستیار نیست.

اصل ۳- وکیل نمی‌تواند موارد زیر را به یک دستیار واگذار کند: مسئولیت ایجاد رابطه وکیل و موکل، مسئولیت تعیین مبلغ قابل پرداخت برای خدمات حقوقی و مسئولیت نظر حقوقی ارائه شده به موکل.

اصل ۴- وکیل مسئول اتخاذ تدابیر منطقی است تا اطمینان حاصل شود که مراجعان، دادگاه‌ها و سایر وکلا از این موضوع آگاه شوند که دستکاری که خدمات او توسط وکیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، مجوز وکالت ندارد.

اصل ۵- وکیل می‌تواند نام و عنوان دستیارهای خود را روی سربرگ‌ها و کارت ویزیت مؤسسه حقوقی درج کند.

اصل ۶- وکیل مسئول اتخاذ تدابیر منطقی برای اطمینان از حفظ اطلاعات محرمانه موکل توسط دستیار است.

اصل ۷- وکیل باید اقدامات منطقی را برای جلوگیری از تعارض منافع ناشی از منافع دستیار با سایر مشاغل او انجام دهد.

اصل ۸- وکیل می‌تواند برای کار انجام شده توسط دستیار وکیل، هزینه‌ای را در صورت حساب خدمات حقوقی لحاظ کند.

اصل ۹ - وکیل می‌تواند حق الزحمه دستیار را با توجه به کیفیت و کمیت کار انجام‌شده پرداخت کند؛ با وجود این حق الزحمه دستیار را نمی‌توان به صورت مشروط پرداخت کرد.

اصل ۱۰ - وکیلی که از دستیار استفاده می‌کند باید مشارکت او را در آموزش مستمر مناسب و فعالیت‌های عمومی رایگان تسهیل کند.^۱

۱-۴-۲. اصول حاکم بر استفاده از خدمات دستیاران وکیل در کد مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی انجمن ملی دستیاران

کد مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی که اولین بار در سال ۱۹۷۵ توسط عضویت توسط انجمن ملی دستیاران تصویب شد، مبنای اقدامات اخلاقی دستیاران است. این اصول به‌عنوان یک راهنمای کلی برای کمک به دستیاران و وکلای دادگستری تصویب شده است و شامل موارد زیر است:

اصل ۱ - دستیار نباید اقدام به انجام فعالیت‌هایی کند که از وظایف انحصاری وکلاست و باید از انجام دادن فعالیت‌هایی که وکلا از آن منع هستند، امتناع ورزد.

اصل ۲ - دستیار می‌تواند تمام وظایف تفویض شده توسط وکیل را تحت نظارت او انجام دهد مشروط بر اینکه وکیل در نهایت مسئولیت کار را بر عهده داشته باشد و رابطه مستقیم با موکل برقرار کند و مسئولیت حرفه‌ای نتیجه کار را بر عهده گیرد.

اصل ۳ - دستیار از انجام موارد زیر ممنوع است:

الف) مداخله یا مشارکت در هر اقدامی که رویه حقوقی غیرمجاز تلقی شود.

ب) برقراری رابطه با موکل از نوع وکیل - موکلی، تعیین حق الزحمه، ارائه نظرات یا مشاوره حقوقی یا نمایندگی موکل در دادگاه مگر در مواردی که مجاز بر آن باشد.

ج) انجام اقدامات یا رفتاری که موجب نقض اخلاق حرفه‌ای وکیل شود یا در نقض اخلاق حرفه‌ای به وکیل مؤثر باشد یا رفتاری انجام دهد که به لحاظ حرفه‌ای شایسته نباشد.

اصل ۴ - دستیار باید از صلاح‌دید و نظر حرفه‌ای متناسب با دانش و تجربه خود استفاده کند، اما نباید به جای وکیل قضاوت و اظهار نظر مستقل داشته باشد.

۱. برای ملاحظه تفصیلی این اصول و تفاسیر مربوط به آن ر.ک.

اصل ۵ - دستیار باید در ابتدای هرگونه رابطه حرفه‌ای با موکل، وکیل، دادگاه یا نهادهای اداری یا کارکنان آن یا عموم مردم وضعیت خود را به‌عنوان دستیار اعلام و افشا کند. در مواقع عدم حضور وکیل، دستیار در مساعدت به موکل، باید محتاطانه عمل کند.

اصل ۶ - دستیار باید تلاش کند تا از طریق تحصیل و یادگیری درخصوص مسئولیت حرفه‌ای، رویه‌ها و قوانین محلی و از طریق آموزش مستمر در موضوعات ماهوی از صلاحیت و درجه بالایی از شایستگی برخوردار باشد تا به حرفه وکالت در انجام وظیفه خود برای ارائه خدمات حقوقی کمک کند.

اصل ۷ - دستیار باید از اطلاعات محرمانه موکل محافظت کند و نباید از هیچ قاعده یا قانونی که در حال حاضر یا بعداً برای کنترل دکتترین روابط محرمانه^۱ بین وکیل و موکل تنظیم شده است، تخلف کند.

اصل ۸ - دستیار باید استخدام‌کننده خود را از موکلان قبلی و روابط شخصی قبلی که ممکن است با منافع استخدام‌کننده یا استخدام‌کننده آینده تضاد داشته باشد، مطلع کند.

اصل نهم - دستیار باید همه اقدامات دیگری که برای دستیابی به اصول اخلاقی و مسئولیت‌های مقررشده در قانون موضوعه یا حکم دادگاه ضروری یا مصلحت‌آمیز است، انجام دهد.

1. privileged communications

دکتترین ارتباطات محرمانه (ممتاز) بین وکیل و موکل از قدیم‌ترین در حقوق انگلیس و آمریکا است. ارتباط ممتاز از نظر حقوقی، ارتباط بین افرادی است که وظیفه ویژه وفاداری و رازداری نسبت به یکدیگر دارند. رابطه وکیل و موکل از جمله این روابط است. منظور از این قاعده این است که ارتباطات بین وکیل و موکل محرمانه است و نباید برای دادگاه افشا شود. البته اعمال این قاعده مشروط به شرایطی است: اولاً این امتیاز فقط در صورتی اعمال می‌شود که (۱) دارنده ادعایی امتیاز، موکل باشد یا بخواهد موکل شود؛ (۲) شخصی که ارتباط با او برقرار شده است (الف) یکی از اعضای دادگاه باشد و (ب) درخصوص این ارتباط به‌عنوان وکیل فعالیت می‌کند؛ (۳) ارتباط به واقعیتهای مربوط شود که وکیل توسط موکل خود و بدون حضور افراد غریبه از آن مطلع شده و هدف آن تأمین نظر قانون یا انجام خدمات حقوقی یا مساعدت در برخی از مراحل قانونی است و هدف از آن ارتکاب جرم نباشد؛ (۴) این امتیاز مورد ادعا قرار گرفته و موکل از آن صرف‌نظر نکرده باشد. جهت مطالعه تفصیلی درخصوص هر یک از این شرایط ر.ک.

Hudspeth, G. L. (1952), "Privileged Communications- Attorney and Client-2", **Duke Bar Journal**.

اصل ۱۰ - رفتارهای دستیار تابع قواعد مسئولیت حرفه‌ای و قواعد رفتار حرفه‌ای کانون‌های وکلاست (NALA Code of Ethics and Professional Responsibility, 2007).

تدقیق در این اصول مؤید آن است که در تبیین تعهدات و وظایف دستیاران و وکلا، ماهیت حرفه‌دستیاری و ارتباط تنگاتنگ آن با حرفه‌وکالت و حفظ حقوق اشخاص ثالث به‌ویژه موکلان مورد توجه تدوین‌کنندگان اصول بوده است. مواد اولیه هر دو اصول را باید در راستای قائم به شخص بودن حرفه‌وکالت تفسیر کرد، زیرا موکل به‌لحاظ صلاحیت شخصی وکیل و شایستگی‌های او اقدام به تفویض امر به او کرد و بنابراین باید حق موکلان برای برخورداری از قضاوت و نظر حرفه‌ای وکلای خود را به رسمیت شناخت و در تبیین وظایف دستیاران این حق را در نظر گرفت. از این رو، تفویض وظایف وکیل به دستیار صرفاً در صورتی ممکن است که وکیل رابطه مستقیم با موکل خود را حفظ کند و بر امور محوله نظارت داشته باشد و مسئولیت حرفه‌ای نتیجه کار کاملاً بر عهده وکیل باشد. در قانونگذاری داخلی نیز در تبیین وظایف دستیاران توجه به ماهیت امور تفویضی از یک طرف و حفظ مسئولیت وکیل از طرف دیگر واجد اهمیت است. به نظر می‌رسد به‌لحاظ اهمیت مسئله، تصریح به آمره بودن و عدم پذیرش شرط خلاف در برابر اشخاص ثالث نیز ضروری است که در این اصول به آن توجه نشده است. همچنین توجه به ضمانت اجراهای جدی در این خصوص ضرورت دارد و تخلف وکیل و دستیاران از این اصول باید با ضمانت اجراهای قوی همراه باشد و به نظر می‌رسد در اصول مربوطه جای این ضمانت اجراها خالی است. این احتمال وجود دارد که علت عدم تصریح در نظام حقوقی آمریکا این مسئله باشد که رفتارهای وکیل و دستیار تابع قواعد مسئولیت حرفه‌ای و قواعد رفتار حرفه‌ای کانون‌های وکلاست که در اصل ۱۰ این اصول نیز به آن تصریح شده است، اما با توجه به اینکه این اصول به‌عنوان راهنما و چهارچوب کلی روابط دستیاران و وکلا محسوب می‌شود، تجمیع تمام ضوابط حاکم بر روابط آن‌ها واجد اهمیت است. البته طبیعی است مسئولیت دستیاران در عدم ایفای صحیح وظایف خود موجب مسئولیت شخصی آن‌ها خواهد بود، اما این مسئولیت به هیچ وجه رافع مسئولیت وکیل در تفویض صحیح و نظارت صحیح بر دستیار نیست و در صورت بروز خسارت به موکل یا سایر اشخاص، وکلا و دستیاران هر دو مسئول هستند. اصول مصوب کمیته دائمی دستیاران کانون وکلای آمریکا بر تعهدات وکلا در قبال دستیاران تمرکز کرده و اصول مصوب کد مسئولیت حرفه‌ای، بر تعهدات و وظایف دستیار متمرکز شده است. با وجود این، جای توجه به حقوق دستیاران به‌ویژه در اصول مصوب کمیته دائمی دستیاران خالی است و صرفاً به پرداخت حق الزحمه به‌عنوان حقوق دستیار توجه شده است، در حالی که به نظر می‌رسد حقوق

دستیاران را نباید محدود به حق الزحمه دانست و توجه به حقوقی همانند تأمین امنیت شغلی دستیار و فراهم کردن شرایط کار و ... نیز ضروری است و در قانونگذاری داخلی باید لحاظ شود.

۲. دستیار وکیل در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران حرفه دستکاری به صورت رسمی در قوانین پیش‌بینی نشده است. در قوانین سابق از جمله تبصره ۲ ماده ۱ قانون وکالت ۱۳۱۵ قانون با طبقه‌بندی وکلا به سه درجه، مفهومی تحت عنوان کارگشا پیش‌بینی شده بود. اگرچه کارگشایان طبق این تعریف به نوعی وکیل با درجه پایین محسوب می‌شدند و فقط در برخی دعاوی با ارزش کم اجازه وکالت داشتند، اما در عمل در انجام برخی امور به وکلای درجه یک مساعدت می‌کردند و از این جهت مشابه دستیار محسوب بودند. در هر حال این مفهوم در قوانین بعدی مطرح نشد و با تغییر تشکیلات دادگستری و از بین رفتن محاکم صلح به نظر می‌رسد در حال حاضر این حرفه نیز در حقوق ایران فعال نیست. صرف نظر از عوامل حذف این نهاد که بررسی آن در این مقال نمی‌گنجد، روشن است که در حال حاضر نه تنها مفهوم دستیار وکیل در قوانین شناسایی نشده، بلکه مفاهیم و نهادهای مشابه نیز وجود ندارند.

۲-۱. مزایای استفاده از دستیار وکیل

بررسی تجارب وکلایی که در عمل از دستیاران به صورت غیررسمی در نظام حقوقی ایران استفاده کرده‌اند، موید آن است که استفاده از دستیاران مزایای متعددی دارد. مهم‌ترین مزایای استفاده از دستیاران می‌توان موارد زیر دانست:

۱-۲-۱. مزایای اقتصادی

یکی از مزایای مهم استفاده از دستیاران صرفه اقتصادی استفاده از دستیاران و صرفه‌جویی در هزینه‌هاست. در نظام حقوقی آمریکا این مسئله بیشتر در مقایسه با افرادی مانند همکار یا شرکای وکیل برجسته می‌شود. با توجه به مزایای کار گروهی بسیاری از فعالیت‌های حقوقی در آمریکا به صورت گروهی انجام می‌شود و وکلا امور حقوقی خود را همراه با همکاران یا شرکا و دستیاران و در قالب شرکت‌ها و مؤسسات حقوقی را انجام می‌دهند. از این میان علی‌رغم مزایای استفاده از همکار و شریک، از حیث اقتصادی استفاده از دستیار برای وکیل و موکل مقرون به صرفه‌تر است. در واقع همکار یا شریک باید وکلای خوبی باشند تا بتوانند سود خوبی برای مؤسسه به دست آورند.

از طرفی برای جذب همکاران بهتر، مؤسسه مجبور به دریافت حق الوکاله بیشتری می‌شود که این مسئله به‌ویژه به‌علت فضای رقابت در بازار وکالت ممکن است در جذب موکل مشکل ایجاد کند و موکل تمایل به وکلا یا مؤسساتی پیدا کند که حق الوکاله کم‌تری دریافت می‌کنند. از طرف دیگر در صورت عدم دریافت حق الوکاله بالاتر از طرف مؤسسه، پرداخت حق الزحمه زیاد به همکار موجب کاهش سود مؤسسه می‌شود. بنابراین افزایش چشمگیر پرداختی به وکلای همکار به‌طور مؤثر مزایای به‌کارگیری دستیاران را برای ارائه خدمات حقوقی برجسته می‌کند. از این منظر صرفه اقتصادی استفاده از دستیاران برای وکلا، هم در شرایط پرداخت حق الوکاله مشروط و هم در حق الوکاله ساعتی^۱ وجود دارد. در حق الوکاله مشروط، سود اقتصادی استفاده از دستیار برای وکلا بیشتر است، زیرا در این وضعیت وکیل در تلاش برای کاهش هزینه‌هاست و استفاده از دستیار به‌صرفه‌تر از مشارکت شریک در پرونده است. در خصوص وکلایی که با حق الوکاله ساعتی کار می‌کنند نیز استفاده از دستیار از این جهت صرفه اقتصادی دارد که در صورت کار دستیاران مجرب بر روی پرونده‌ها، وکیل می‌تواند نرخ ساعتی بیشتری را بدون افزایش کل هزینه برای موکل توجیه کند. درواقع وکیل با تفویض برخی فعالیت‌ها به دستیار هزینه کم‌تری از موکل می‌گیرد و این‌طور به نفع موکل است. از طرفی به‌علت صرف وقت بیشتر در امور مهم پرونده توسط وکیل، او می‌تواند هزینه ساعتی خود را در آن قسمت‌ها افزایش دهد. البته این افزایش باز هم در شرایطی که کل کار را وکیل انجام می‌دهد کم‌تر بوده و در کل هزینه موکل در مقایسه با حالت قبل کم‌تر است (Campbell, 2005: 5,9,12).

توجیه اقتصادی استفاده از دستیار را از جنبه دیگری نیز می‌توان بررسی کرد. با این توضیح که استفاده از دستیار موجب می‌شود که وکلا زمان بیشتری برای قبول پرونده‌های بیشتر داشته باشند و از این جهت استفاده از دستیار موجب جذب پرونده‌های بیشتر و در نتیجه کسب درآمد بیشتر

۱. حق الوکاله ساعتی توافقی بین وکیل و موکل است که در آن موکل تعهد به پرداخت حق الوکاله بر حسب ساعات صرف‌شده در پرونده می‌کند. میزان حق الوکاله ساعتی بر حسب موضوع دعوا، پیچیدگی آن و تجربه وکیل متفاوت خواهد بود. در حق الوکاله‌های مشروط خواهان و وکیل او بر پرداخت حق الوکاله پس از مشخص شدن نتیجه دعوا توافق می‌کنند. طبق این توافق اگر دعوا با شکست مواجه شود، هیچ حق الوکاله‌ای به وکیل تعلق نخواهد گرفت و در صورت پیروزی در دعوا چند برابر تعرفه حق الوکاله یا درصدی از محکوم‌به، به او تعلق خواهد گرفت. برای مطالعه در خصوص انواع حق الوکاله‌ها در نظام حقوقی آمریکا ر.ک.

صفری، ناهید (۱۴۰۰)، درآمدی بر نظام دادرسی مدنی آمریکا، مراغه: انتشارات دانشگاه مراغه.

صفری، ناهید، و آرتین جهانشاهی (۱۳۹۹)، «حق الوکاله‌های مشروط و احتمالی»، مطالعات حقوقی، شماره ۲.

خواهد شد. در حالی که در صورت فعالیت انفرادی، ممکن است وکیل از قبول پرونده‌های بیشتر خودداری کند.

۲-۱-۲. دسترسی به عدالت

یکی دیگر از مزایای استفاده از دستیاران، ارتقای دسترسی به عدالت در نظام قضائی است. در نظام حقوقی آمریکا کانون‌های وکلای ایالتی، دادگاه‌ها و قوای قانونگذاری در تلاش برای توسعه راهکارهای دسترسی عادلانه به نظام قضائی برای افرادی هستند که توانایی استخدام وکیل را ندارند. از این منظر هدف حرفه دستیار، ارائه خدمات حقوقی مقرون به صرفه و دسترسی بیشتر به عدالت برای عموم است. این دیدگاه انحصاری کردن ارائه خدمات حقوقی به وکلا را از عوامل محسوب می‌کند که تأثیر منفی در دسترسی به عدالت دارد. در واقع از آنجا که رقابت میان حرفه‌ها عامل مهمی برای دسترسی به خدمات حرفه‌ای نوآورانه، کم هزینه و باکیفیت است، لازم است علاوه بر وکلا، مجوز برای سایر مشاغل حقوقی از جمله دستیار فراهم شود (Trabucco, 2020: 36).

در حقوق ایران نیز از این منظر توجه به حرفه دستیار را می‌توان گامی در راستای تحقق عدالت دانست. در واقع در مفهوم موسع عدالت قضائی، عدم دسترسی به خدمات حقوقی متنوع را می‌توان مانعی در تحقق یک نظام قضائی عادلانه و کارآمد دانست. بنابراین گسترش ارائه‌دهندگان خدمات عمومی می‌تواند در توسعه عدالت مفید باشد. از این رو، شناسایی دستیار به‌عنوان حرفه جدید در جهت ارائه خدمات حقوقی را باید گامی در تحقق یک نظام عادلانه دانست.

۳-۲-۱. بهبود خدمات‌دهی به موکلان و افزایش رضایت موکلان

یکی دیگر از مزایای به‌کارگیری دستیار وکیل، بهبود روابط با موکلان و افزایش رضایت آن‌هاست. این رضایت از یک طرف ناشی از کاهش هزینه‌های موکل است و از طرف دیگر از طریق فراهم آوردن امکان دسترسی راحت‌تر موکل با وکیل حاصل می‌شود. این امر نتیجه طبیعی واگذاری کار به دستیاران حرفه‌ای واجد شرایط است و موجب بهبود روابط با موکلان می‌شود، زیرا معمولاً دستیاران بیشتر در دسترس موکل هستند. در حالی که وکلا اغلب به دلیل مشاغل خارج از دفتر هستند. بنابراین یک دستیار مجرب اغلب سریع‌تر از وکلا می‌تواند به سؤالات و نگرانی‌های موکلان پاسخ دهد. به همین دلیل دستیاران می‌توانند روابط کاری نزدیک با موکلان، به‌ویژه موکلان سازمانی را برای سال‌ها حفظ کنند (Campbell, 2005: 10-11). این مزیت به‌ویژه در خصوص وکلای پر مشغله که فرصت پاسخ‌گویی به موکل را ندارند قابل توجه است.

با توجه به اینکه یکی از معضلات نظام دادرسی ایران اطالۀ دادرسی است، در ایران نیز از این منظر می‌توان به حرفۀ دستیاری توجه کرد. صرف‌نظر از دلایل مختلف اطالۀ دادرسی که بررسی آن در این مقال نمی‌گنجد،^۱ یکی از عوامل اطالۀ دادرسی را باید در عملکرد وکلا دانست. بررسی تجارب وکلا در عمل نشان می‌دهد که برخی وکلا به‌علت مشغله کاری امکان پیگیری پرونده در اولین فرصت ممکن را ندارند. شلوغ بودن دادگستری و پراکنده بودن مجتمع‌های قضائی به‌ویژه در کلانشهرها، از دیگر دلایلی است که ممکن است سرعت پیگیری پرونده توسط وکیل را کاهش دهد. در حالی که با استفاده از دستیار پیگیری پرونده و انجام برخی امور اداری با سرعت بیشتری امکان‌پذیر است. همچنین تقسیم کار بین وکیل و دستیار و تفویض پیگیری‌ها و امور اداری به دستیار سبب می‌شود که وکلا وقت بیشتری برای مطالعه و نگارش لایحه دفاعیه داشته باشند. ضمن اینکه احتمال خطاهای انسانی همانند اشتباهات تایپی نیز کاهش می‌یابد. از این رو کیفیت ارائه خدمات نیز قطعاً افزایش خواهد یافت.

۴-۲-۱. بهبود کیفیت زندگی و کار وکیل

وکالت یکی از مشاغل پراسترس محسوب می‌شود. از نظر برخی نویسندگان حقوقی با توجه به فشار کاری و استرس زیاد شغل وکالت و طبعاً کمبود وقت برای اموری چون ورزش، تعامل با خانواده، اکثر وکلا با مشکلات جسمی و روانی مواجه هستند و یکی از دلایل این امر اضطراب‌های ناشی از انباشتگی کارهای عقب‌مانده است (کشاورز، ۱۳۹۰: ۹). آزاد شدن بخشی از زمان وکلا موجب می‌شود که وکیل فرصت بیشتری برای انجام امور خانوادگی، مسافرت، ورزش و... داشته باشد. از این منظر تفویض برخی وظایف به دستیاران موجب بهبود کیفیت زندگی وکیل می‌شود.

از طرف دیگر استفاده از دستیاران به وکلا اجازه می‌دهد تا زمان خود را بر امور ماهوی پرونده و تنظیم لوایح دفاعی صرف کنند. طبیعی است این مسئله باعث افزایش کیفیت کار وکیل خواهد شد. نکته دیگر اینکه در خصوص وکلایی که به‌علت بالا بودن حجم پرونده‌ها از قبول پرونده‌های جدید خودداری می‌کنند، استفاده از دستیار، قبول پرونده‌های بیشتر و در نتیجه افزایش درآمد را امکان‌پذیر می‌سازد. استفاده از دستیار هم در نوع پرونده‌ها و هم در قبول پرونده در شهرهای

۱. برای مطالعه در خصوص عوامل اطالۀ دادرسی ر.ک. باقرزاده اصل، حسین (۱۴۰۰)، «علل اطالۀ دادرسی در دعاوی مدنی و راه‌های پیشگیری از آن»، تحقیقات حقوقی قضائی، شماره ۴.

مختلف مؤثر است. در مصاحبه با وکلا نیز تعداد زیادی از وکلا اذعان داشتند که به علت عدم امکان پیگیری پرونده از قبول پرونده در شهرهای مختلف امتناع می‌ورزند.

۱-۲-۵. اشتغال‌زایی

یکی از مزایای استفاده از دستیاران را می‌توان از منظر حل مشکلات اشتغال مورد بررسی قرار داد. مسئله بیکاری از دغدغه‌های مهم جامعه ایران است. در حوزه وکالت، ورود به این حرفه علاوه بر گذراندن دوره کارشناسی حقوق و شرکت در آزمون‌های کانون وکلا یا مراکز مشاوره قوه قضائیه، نیازمند گذراندن دوره کارآموزی است. این مسئله اشتغال یک فارغ‌التحصیل حقوق را در عرصه وکالت، حداقل سه سال به تعویق می‌اندازد. در صورت قبولی در آزمون نیز با توجه به اینکه حرفه وکالت علاوه بر تحصیلات و آموزش حقوقی نیازمند تجربه کاری است، در عمل تعداد پرونده‌های وکلای تازه‌کار محدود است.

البته در راستای حل مشکلات اشتغال اقدامات مختلفی صورت گرفته است که ضمن ناکافی بودن، گاهی موجب ایجاد مشکلات دیگری شده‌اند. یکی از اقدامات صورت‌گرفته در عرصه وکالت حذف ظرفیت آزمون‌های وکالت در راستای اجرای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار مصوب ۱۴۰۱ است. این قانون با هدف حل مشکلات مربوط به بیکاری جوانان، ایجاد مانع در صدور مجوز کسب‌وکار را ممنوع کرده است. این مقرر به لحاظ یکسان تلقی کردن وکالت با سایر ابزار کسب‌وکار، بدون توجه به ماهیت این حرفه قابل انتقاد و به نوعی موجب تقلیل ارزش و جایگاه حرفه وکالت و حتی تغییر ماهیت آن است. در واقع اگرچه وکیل در انجام امور محوله از طرف موکل، معمولاً حق الزحمه دریافت می‌کند، اما از منظر قانونی وکالت از عقود مغایبه‌ای تلقی نمی‌شود و امانتداری اساس وکالت را تشکیل می‌دهد. با وجود این، به نظر می‌رسد قانونگذار بدون توجه به این مبنا و صرفاً به لحاظ وضعیت عملی حرفه وکالت و تبعات منفی کاهش سرانه وکیل در کشور اقدام به قانونگذاری در این زمینه کرده است. به لحاظ عملی نیز نتیجه چنین مقرره‌ای اگرچه ممکن است در ظاهر، آمار شاغلان را افزایش دهد، اما خود ایجادکننده مشکلات دیگری است. از یک طرف با کاهش سطح علمی وکلای آینده مواجه خواهیم بود و از طرف دیگر افزایش وکیل بدون توجه به نیازهای هر منطقه تبعاتی منفی از جمله گرایش به کارچاق‌کنی و واسطه‌گری به علت نبود کار را ایجاد خواهد کرد.

در هر حال با توجه به انتقادات وارد شده بر اقدامات صورت‌گرفته، به نظر می‌رسد توجه به دستیار وکیل را از این منظر می‌توان راهکار مناسب‌تری دانست. پیش‌بینی دستیار وکیل به عنوان

یک حرفه جدید ضمن اینکه فاقد چنین تبعاتی است، می‌تواند تا حدی بخشی از مشکلات بیکاری را حل کند و حرفه جدیدی را برای فارغ‌التحصیلان حقوق ایجاد کند. از طرف دیگر شغل وکالت نیازمند روحیات خاصی است. استرس شغلی این حرفه به‌علت سنگین بودن مسئولیت‌های حرفه‌ای وکیل زیاد است. این مسئله گاه موجب تردید برخی فارغ‌التحصیلان حقوق برای ورود به این حرفه و گاه نیز موجب انصراف وکلای جوان از ادامه فعالیت می‌شود. در حالی که دستگیری در مقایسه با وکالت مسئولیت حرفه‌ای کم‌تری دارد و ضمن اینکه می‌تواند منطبق با روحیات برخی افراد باشند، فرصتی برای تجربه‌اندوزی آن‌ها نیز فراهم کند. در واقع بعد از دوره دستگیری و کسب تجربه کافی فرد می‌تواند در صورت داشتن رضایت شغلی در این حرفه، فعالیت خود را ادامه دهد. در صورت تمایل می‌تواند در آزمون وکالت شرکت کند. از این رو دستگیری را باید فرصت مناسبی برای اشتغال و تجربه‌اندوزی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوق دانست.

۱-۲-۶. حفظ شأن وکیل

یکی دیگر از مزایای دستگیری را باید حفظ جایگاه و شأن وکلا دانست. انجام برخی امور اداری پیش‌پاافتاده در شأن یک وکیل باسابقه نیست و موجب اتلاف وقت و انرژی او می‌شود. ضمن اینکه انجام برخی از این امور برای وکلای مسن دشوار است. در حالی که یک فارغ‌التحصیل جوان به‌لحاظ کنجکاوی و جست‌وجوگر بودن، علاقه‌مند به کسب تجربه و فعالیت در این زمینه است. بنابراین بهتر است چنین اموری به دستیار تفویض شود تا ضمن حفظ شأن وکیل، فرصتی برای تجربه‌اندوزی جوانان باشد.

۲-۲. موانع استفاده از دستیاران وکیل

با بررسی تجارب وکلایی که به صورت غیررسمی از دستیاران استفاده کرده‌اند، می‌توان عواملی را به‌عنوان موانع استفاده از دستیاران در نظام حقوقی ایران مطرح کرد. از آنجا که شناخت این موانع می‌تواند در تبیین شرایط و ضوابط مناسب این حرفه برای قانون مفید باشد، در این مبحث به ارزیابی و بررسی آن‌ها پرداخته‌ایم.

۲-۱-۱. عدم تعریف حرفه دستگیری در قوانین

حرفه دستگیری در قوانین موضوعه ایران شناسایی نشده است. از نظر قانون، وکالت از امور قائم به شخصیت وکیل است و انجام فعالیت‌های وکالتی جز از طریق وکیل ممکن نیست و تفویض امر

به سایر اشخاص منوط به وکیل بودن فرد و اجازه موکل است. از این رو، حضور در دادگاه‌ها که فعالیت اصلی وکلا محسوب می‌شود، در شرایط کنونی برای دستیاران ممکن نیست و این مسئله مانع اصلی استفاده از دستیار است. در نظام حقوقی ایران جز ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، که امکان ارسال اصل اسناد به نمایندگی از وکیل از طرف فرد غیر وکیل دادگستری پیش‌بینی شده، اجازه حضور اشخاص فاقد پروانه وکالت در دادگاه نیست. درخصوص فعالیت‌های خارج از دادگاه اگرچه محدودیت کم‌تری برای دستیاران وجود دارد و برخی وکلا برای انجام امور اداری خارج از دادگاه با اعطای وکالت مدنی و تنظیم وکالت‌نامه‌های کاری در دفترخانه‌ها انجام این امور را به دستیاران واگذار می‌کنند، اما این مسئله نیز علاوه بر هزینه، مشکلات خاص خود را خواهد داشت.

۲-۲-۲. کارآموز یا وکیل بودن دستیار

با توجه به عدم شناسایی قانونی دستگیری به نحوی که در مبحث قبل مطرح شد، وکلایی که تمایل به استفاده از دستیار و بهره‌مندی از مزایای آن دارند، مجبور به استفاده از کارآموزان وکالت هستند که با وجود داشتن پروانه وکالت پذیرش آن‌ها در دادگاه‌ها امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین برخی وکلای کم‌سابقه نیز که امکان قبول پرونده‌های انفرادی را ندارند و جهت کسب تجربه تمایل به کار نزد وکلای باسابقه دارند، ممکن است به‌عنوان دستیار فعالیت کنند. یکی از مشکلات این مسئله این است که با توجه به هدف این افراد از دستیار شدن که عمدتاً کسب تجربه است، با داشتن پروانه وکالت راضی به بقا در سمت دستگیری نخواهند بود. بنابراین حضور این دستیار در دفتر وکیل استمرار نخواهد داشت. ضمن اینکه هر دستیار در سوای رسیدن به وکالت، دست به اقداماتی خواهد زد که در تضاد با دستگیری است. برای مثال در عمل مشاهده می‌شود که دستیار با استفاده از اعتبار وکلا، اقدام به جذب موکلان آن با حق الوکاله‌های پایین‌تر می‌کند. در حالی که اگر دستگیری متفاوت از کارآموزی وکالت باشد، دستیاران به‌لحاظ قانونی امکان سوءاستفاده از موقعیت خود را نخواهند داشت.

۲-۲-۳. فقدان تحصیلات حقوقی و آموزش‌های لازم برای دستگیری

با توجه به مشکلات استفاده از افراد دارای پروانه وکالت به‌عنوان دستیار، برخی وکلا برای بهره‌مندی از مزایای این حرفه از دستیاران غیروکیل استفاده می‌کنند. محدود بودن حوزه کاری این افراد به دفاتر کار وکلا و ادارات دولتی و نداشتن تحصیلات حقوقی و آموزش‌های عملی و کاربردی مشکلات دیگری به همراه دارد. از یک طرف اکثر فارغ‌التحصیلان حقوق تمایل به ورود به حرفه

وکالت یا سایر مشاغل حقوقی دارند و به‌علت عدم پیش‌بینی حرفه‌دستکاری به‌عنوان حرفه مستقل، صرفاً در موارد نادر و به‌صورت موقت جهت کسب تجربه، تمایل به کار نزد وکلای باسابقه خواهند داشت. از طرف دیگر، صرف تحصیلات حقوقی برای دستیار شدن کافی نیست و لازم است دستیاران دوره‌های آموزشی کاربردی و عملی نیز گذرانده باشند. بنابراین به‌علت عدم پیش‌بینی رسمی این حرفه در حال حاضر یافتن افراد با شرایط مناسب دستکاری دشوار است. تعدادی از وکلای مورد بررسی در پژوهش حاضر نیز اعلام کردند که برای رفع این خلأ قانونی و جهت استفاده از مزایای حرفه‌دستکاری، اشخاص مورد اعتماد خود را به سمت گذراندن دوره‌های تخصصی حقوقی سوق می‌دهند.

۲-۲-۴. فقدان تشکیلات خاص قانونی

یکی از مشکلات حرفه‌دستکاری که از عدم تعریف قانونی آن ناشی می‌شود، فقدان تشکیلات خاص جهت سازمان‌دهی این حرفه و نظارت بر عملکرد دستیاران و وکلایست. شفاف نبودن وظایف و حقوق طرفین، بی‌اعتمادی و انتظارات کاذب بین آن‌ها ایجاد کرده است. از یک طرف فقدان ضوابط قانونی در خصوص حق‌الزحمه دستیار، موجب سلیقه‌ای عمل کردن وکلا در پرداخت حق‌الزحمه می‌شود که همین مسئله موجب عدم رضایت دستیاران و عدم احساس امنیت شغلی دستیاران خواهد بود. از طرف دیگر عدم رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای توسط دستیاران و سوءاستفاده از موقعیت توسط برخی از آن‌ها و فقدان ضمانت اجرای مناسب نوعی عدم اعتماد برای وکلا ایجاد خواهد کرد. در حالی که در صورت شفاف شدن حقوق و وظایف طرفین و وجود تشکیلات قانونی جهت نظارت بر عملکرد آن‌ها و وجود ضمانت اجرای مناسب، این مشکلات تا حد زیادی رفع خواهد شد. به‌نظر می‌رسد با توجه به ارتباط تنگاتنگ حرفه‌دستکاری با حرفه وکالت لازم است در ایجاد تشکیلات قانونی مانند کانون دستیاران دخالت و یا حتی نظارت کانون وکلا لحاظ شود.

۲-۲-۵. مشکلات اقتصادی

یکی دیگر از موانع مهم استفاده از دستیاران، مشکلات اقتصادی و کم شدن بازار کار وکلاست. شرایط اقتصادی بر بازار کار وکلا و وضعیت معیشتی آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته است. برخی از وکلا به‌علت پرونده‌های کم و درآمد پایین انگیزه چندانی برای استفاده از دستیار ندارند. به‌نظر می‌رسد در نتیجه تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و با افزایش تعداد وکلا در آینده و

کاهش بازار کار وکلا این مسئله نمود بیشتری خواهد داشت و از این منظر در شرایط کنونی توجه به حرفه دستکاری اهمیت بیشتری دارد.

۳. وظایف و محدودیت‌های دستیاران وکیل

یکی از موضوعات مهمی که در شناسایی حرفه دستکاری باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد این است که در شناسایی یک حرفه جدید در کنار سایر مشاغل حقوقی، باید به ماهیت حرفه و ارتباط تنگاتنگ آن با سایر حرفه‌ها توجه کرد. بنابراین با توجه به ماهیت حرفه دستکاری که با هدف مساعدت به وکلا و تسهیل امور آن‌ها ایجاد شده است صرفاً وظایفی قابل تفویض به دستیاران خواهد بود که قائم به شخص وکیل نبوده و جنبه فرعی داشته باشند.

با توجه به تجربه نظام حقوقی آمریکا به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز صرفاً برخی از وظایف فرعی وکلا قابل تفویض به دستیاران هستند. تدارک پرونده از جمله تنظیم پیش‌نویس شکایت‌ها و دادخواست‌ها و لوایح، پیگیری پرونده‌ها از ادارات مختلف، انجام امور اجرایی مانند انجام قراردادهای کارشناسی صادرشده، تحویل دادن مستندات به موکل، تحویل لوایح به دادگاه و پیگیری آن‌ها، ثبت دادخواست در مراکز خدمات قضائی، انجام اخطار رفع نقص‌ها و مواردی از این قبیل از جمله مهم‌ترین وظایفی است که می‌توان به دستیاران واگذار کرد. تفویض اختیار به دستیاران در زمینه ارتباط با موکلان و پاسخ‌گویی به پیگیری‌ها و تماس‌های آن‌ها را نیز می‌توان واجد آثار مفیدی در تسریع کار وکلا و بهبود ارائه خدمات به موکلان دانست. با وجود این، با توجه به تعهدات وکلا در قبال موکلان و ماهیت حرفه وکالت، تفویض این اختیارات به دستیاران را صرفاً در صورتی می‌توان مجاز دانست که وکیل رابطه مستقیم با موکل داشته و بر کارهای تفویضی نظارت کامل داشته باشد و مسئولیت حرفه‌ای نتیجه کار بر عهده وکیل باشد. به عبارت دیگر این تفویض اختیار به معنای تفویض مسئولیت امور به دستیار در قبال موکل نیست. در واقع اگرچه تخطی از دستورات وکیل برای دستیار در مقابل وکیل ایجاد مسئولیت می‌کند، اما وکیل در برابر موکل یا مراجع قضائی نمی‌تواند به آن استناد کند.

همچنین با توجه به ماهیت این حرفه و تفاوت‌های آن با حرفه وکالت تفویض پاره‌ای وظایف نه‌تنها مفید نیست، بلکه در عمل مشکلاتی نیز ایجاد خواهد کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۳-۱. مشاوره حقوقی

یکی از وظایف وکلا در دفاتر کار خود انجام مشاوره تخصصی است. موکلان معمولاً قبل از اعطای وکالت به وکیل جهت پیگیری پرونده، اقدام به دریافت مشاوره حقوقی می‌کنند. گاهی نیز با دریافت مشاوره حقوقی به این نتیجه می‌رسند که شروع کار قضائی درخصوص مشکل حقوقی آن‌ها با شکست مواجه خواهد شد و بنابراین نیازی به پیگیری پرونده قضائی نیست. گاهی نیز دریافت مشاوره از وکلا به منظور انجام اقداماتی جهت پیشگیری از بروز اختلافات است. در هر حال مشاوره یک عمل تخصصی است و باید توسط وکیل صورت گیرد و واگذاری آن به دستیار موجه نیست. ضمن اینکه گاه در عمل ممکن است دستیاران دارای پروانه وکالت از فرصت مشاوره سوءاستفاده و اقدام به جلب موکل و کاهش بازار کار وکلا کنند. این مسئله از دغدغه‌های جدی وکلای مورد بررسی در پژوهش حاضر بود. به نحوی که تعداد زیادی از وکلا اذعان داشتند که این سوءاستفاده مانع مهم استفاده از دستیاران دارای پروانه وکالت برای آن‌هاست.

۳-۲. نمایندگی و دفاع از موکل در محاکم

یکی از مهم‌ترین وظایف وکلا حضور در محاکم و دفاع از موکل است. با توجه به اینکه موکل با اعتماد به شخص وکیل و توانایی‌های او پرونده را به او تفویض می‌کند، امکان حضور دستیار و دفاع از موکل به جای وکیل نیست. ضمن اینکه اساساً دستیاران تجربه انجام این کار را ندارند و تفویض اختیار به دستیار در این زمینه به نوعی نقض غرض است و با ماهیت دستکاری انطباق ندارد و صرفاً وظایف فرعی قابل تفویض هستند. چه بسا یک اظهارنظر نادرست توسط دستیار سرنوشت پرونده را تغییر دهد و موجب تضییع حقوق موکل شود. با وجود این به نظر می‌رسد حضور دستیار در جلسه رسیدگی به منظور مساعدت به وکیل در فراهم کردن اسناد و مدارک و کسب تجربه مانعی ندارد.

۳-۳. مسئولیت پرونده و تعیین حق الزحمه خدمات حقوقی

با توجه به تعریف دستکاری و شرایط دستیار که در مباحث گذشته مطرح شد، دستکاری، حرفه‌ای برای مساعدت به وکلا و تسهیل وظایف آن‌هاست. رابطه، بین وکیل و موکل شکل می‌گیرد و مسئولیت نتیجه کار با وکیل است و وکیل با حفظ مسئولیت می‌تواند برخی وظایف خود را به یک

دستیار واگذار کند. از این رو، توافق خلاف آن با ماهیت این حرفه سازگاری ندارد و وکلا در تفویض وظایف به دستیار باید این نکته را مورد توجه قرار دهند.

درخصوص حق الزحمه نیز با توجه به اینکه تشخیص میزان حق الزحمه با توجه به میزان کار و تلاش وکیل است و با توجه به ضرورت ارتباط مستقیم وکلا با موکلان، صرفاً وکلا می‌توانند این مبلغ را مشخص کنند و دستیاران حق تعیین حق الزحمه را ندارند و صرفاً در برخی خدمات عادی مانند مشاوره حقوقی با اجازه وکیل این امر امکان‌پذیر است.

۴. تعهدات دستیاران و وکلا

روابط متقابل دستیار و وکیل حقوق و تعهداتی را در قبال یکدیگر برای آن‌ها ایجاد می‌کند. با توجه به تجارب برخی وکلا در استفاده از دستیار و با استفاده از تجارب نظام حقوقی آمریکا مهم‌ترین حقوق و تعهدات دستیاران و وکلا را می‌توان موارد زیر دانست:

۴-۱. تعهدات وکلا

مهم‌ترین تعهداتی که استفاده از دستیاران و بهره‌مند شدن از خدمات آن‌ها برای وکلا ایجاد می‌کند، شامل موارد زیر است:

۴-۱-۱. پرداخت حق الزحمه

از مهم‌ترین تعهدات وکلا پرداخت حق الزحمه به دستیاران است. عدم تأمین مالی دستیاران قطعاً یکی از دلایل عدم رضایت آن‌ها در باقی ماندن در سمت خود خواهد بود. به همین دلیل لازم است در جهت حفظ حقوق دستیاران مقرراتی تصویب و سازوکاری برای تأمین شفافیت در تعیین دستمزد و پرداخت به موقع آن ایجاد شود. برای جلوگیری از سلیقه‌ای عمل کردن وکلا، تعیین تعرفه حق الزحمه و یا تعیین حداقل دستمزد مشابه با قوانین کار در قوانین آتی از پیشنهادات نگارنده است. همچنین با توجه به ماهیت کار دستیار و در جهت حفظ حقوق دستیاران بهتر است مشابه با نظام حقوقی آمریکا مشروط بودن حق الزحمه به نتیجه‌ی پرونده ممنوع شود.

۴-۱-۲. تأمین امنیت شغلی دستیار و فراهم کردن شرایط کار

یکی از دغدغه‌های افراد در انتخاب شغل داشتن امنیت شغلی است. اگر دستياری به‌عنوان حرفه‌ای قانونی پذیرفته شود، در صورتی می‌تواند مورد اقبال فارغ‌التحصیلان حقوق قرار گیرد که سازوکارهای قانونی برای تأمین امنیت شغلی دستیار فراهم شود. اجباری کردن بیمه دستیار توسط وکیل و عدم اخراج بی‌دلیل او از جمله مهم‌ترین موضوعات در تأمین امنیت شغلی هستند. تعیین مکان مناسب برای دستیار در دفتر وکیل و ایجاد شرایط مناسب برای کار از دیگر وظایفی است که وکلا در راستای بهبود کیفیت انجام وظایف دستیار باید انجام دهند.

۴-۱-۳. نظارت بر عملکرد دستیار و دادن آموزش‌های لازم

مسئولیت وکیل در قبال پرونده و اقدامات دستیار اقتضا دارد که وکلا بر فعالیت‌های او نظارت داشته باشند. در واقع این نظارت هم حق و هم تکلیف وکیل تلقی می‌شود. با توجه به اهمیت نظارت وکیل بر کار دستیار بدیهی است تفویض نامناسب اختیارات و عدم نظارت صحیح موجب مسئولیت وکیل خواهد شد. همچنین در جهت افزایش کیفیت فعالیت‌های دستیاران، لازم است دستیاران آموزش‌های لازم را دریافت کنند. علاوه بر آموزش‌های عمومی که برای ورود به این حرفه از طرف قانونگذار باید روشن شود، جهت افزایش کیفیت این حرفه لازم است که اطلاعات و آموزش‌های دستياری به روز شود. بنابراین ضمن اینکه باید در قوانین سازوکاری برای تسهیل و تداوم آموزش دستیاران و نظارت بر این امر ایجاد شود، ایجاد فرصت برای آموزش و ارائه تجربیات به دستیار از جمله تعهدات وکلا به‌شمار می‌رود. همچنین لازم است وکیل در خصوص اصول حرفه‌ای وکالت و موضوعات صنفی و اخلاقی راهنمایی‌های لازم را به دستیار داشته باشد. البته در کنار وکلا، کانون وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه یا کانون دستیاران (در صورت تشکیل) می‌توانند در ایجاد این سازوکار نقش داشته باشند. در این خصوص می‌توان از تجربه نظام حقوقی آمریکا بهره برد. در این نظام حقوقی طیف وسیعی از روش‌های آموزشی وجود دارند. این آموزش‌ها صرفاً محدود به دوران پذیرش برای ورود به این حرفه نیست. صرف‌نظر از مدت زمان آموزش، نظارت طولانی‌مدت وکلا و کسب تجربه عملی نیز اهمیت بسیاری در روند آموزش دارد.^۱

۱. برای مطالعه تفصیلی در خصوص نحوه آموزش دستیاران در نظام حقوقی آمریکا ر.ک.

۵-۲. تعهدات دستیاران وکیل

در مقابل تعهدات وکیل، دستیار نیز در قبال وکیل و مراجع قضائی و اداری و موکلان تعهداتی دارد. مهم‌ترین تعهدات دستیار عبارت‌اند از:

۱-۵-۲. انجام وظایف محوله

مهم‌ترین وظیفه دستیاران انجام اموری است که به وکلا به آن‌ها تفویض کرده‌اند. دستیاران مکلفند در صورت ارجاع وظیفه پیگیری از طرف وکیل، با حضور به موقع در محاکم و مراجع اداری به انجام امور محوله بپردازند. در دفتر وکیل حضور منظم داشته باشند. در صورت درخواست وکیل، گزارش‌های مکتوب به او ارائه دهند. امور دفتری ارجاع‌شده را به صورت منظم انجام دهند. عدم خدالت در موارد غیر محوله را نیز باید از دیگر تعهدات آن‌ها دانست.

۲-۲-۵. حفظ اسرار و امانت‌داری

یکی از تعهدات اخلاقی و حرفه‌ای وکلا در مقابل موکل رازداری و محرمانه نگاه داشتن اسرار اطلاعاتی موکل است. تعهد وکیل به حفظ اسرار موکل، موجب اطمینان او به وکیل می‌شود و موکل می‌تواند تمام اطلاعات مربوط را در اختیار او قرار دهد. با توجه به وظایف دستیاران طبیعی است مداخله دستیار در فعالیت‌های وکیل موجب آگاهی او از این اطلاعات باشد. بنابراین دستیار نیز تعهد به حفظ اسرار خواهد داشت. اصل سوم منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت مصوب ۱۳۹۹ صراحتاً به این تعهد اشاره می‌کند. عبارت پرسنل و همکاران در این مقرر می‌تواند شامل دستیاران نیز باشد. با توجه به اهمیت این تعهد یکی از اصول کد مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی انجمن ملی دستیاران آمریکا نیز این اصل است.

همچنین با توجه به اعتماد وکیل به دستیار و سپردن امور خود به او، دستیار به لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای مکلف به امانت‌داری و صداقت در برابر وکیل است. اسرار و اطلاعات وکیل و دفتر وکالت باید حفظ شود. رعایت امانت در تمام امور به‌ویژه در خصوص اموال سپرده‌شده به دستیار از جمله حق الوکاله دریافتی از تعهدات مهم دستیاران است.

۲-۵-۳. تصریح به دستیار بودن

یکی دیگر از تعهدات دستیاران را باید تصریح به دستیار بودن نزد مراجع اداری و قضائی و موکلان دانست. عدم تصریح به دستیاری ممکن است موجب سوءاستفاده دستیار شود و دستیار خود را به جای وکیل معرفی کند. همچنین لازم است از عناوینی استفاده شود که گمراه‌کننده نباشند. در نظام حقوقی آمریکا این امر مطابق با اصل چهارم راهنمای مدل کمیته دائمی دستیاران از تعهدات وکلا به‌شمار می‌رود. در حقوق ایران نیز می‌توان ضمن اینکه این موضوع را از تعهدات دستیاران دانست با توجه به مسئولیت وکیل بر نظارت بر فعالیت دستیار، وکلا را نیز مسئول دانست. در نظام حقوقی آمریکا دستیاران وکلا می‌توانند از کارت ویزیت استفاده کنند و همچنین در بسیاری از حوزه‌های قضائی درج نام و عنوان آن‌ها در سربرگ و وبسایت مؤسسه حقوقی امکان‌پذیر است. اما در این موارد باید به‌طور صریح اشاره شود که آن‌ها وکیل نیستند. در بسیاری از ایالات نیز وکلا مجاز به درج نام و مشخصات دستیاران در سربرگ‌های خود هستند (American Bar Association Standing Committee on Paralegals, 2018: 12). به‌نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز در صورت شناسایی قانونی، لازم است ضوابطی در این خصوص مقرر شود، به نحوی که استفاده از عناوین مناسب به‌شکل قانونی صورت پذیرد و موجب گمراهی موکلان و مراجع قضائی و اداری نشود.

نتیجه

به‌لحاظ مزایای گسترده حرفه دستکاری در تسهیل کار وکلا و افزایش کیفیت خدمات آن‌ها، این حرفه یکی از مشاغل رسمی در نظام حقوقی آمریکا محسوب می‌شود و با رشد و توسعه در طول زمان جایگاه مناسبی در میان حرف حقوقی پیدا کرده است. کانون وکلای آمریکا، فدراسیون ملی انجمن‌های دستکاری و سازمان ملی دستیاران از جمله نهادهایی مهمی هستند که به سازمان‌دهی این حرفه در آمریکا پرداخته‌اند. در هر یک از ایالات نیز قوانین داخلی به این حرفه توجه کرده‌اند. براساس مقررات نهادهای اخیر و قوانین ایالتی دستیار وکیل در این نظام حقوقی افرادی هستند که از طریق آموزش و داشتن تجربه در ارائه خدمات حقوقی به وکلا مساعدت می‌کنند. شرکت در دوره آموزشی دستکاری و قبولی در آزمون دستکاری و دریافت گواهینامه دستکاری از جمله شرایط مقرر شده برای ورود به این حرفه در نظام حقوقی آمریکاست. اهمیت این حرفه و ارتباط با حقوق موکلان نیز موجب تصویب اصول اخلاقی توسط کمیته دائمی دستیاران کانون وکلای آمریکا و انجمن ملی دستیاران آمریکا شده است. مسئولیت وکیل در قبال فعالیت‌های دستیار و ضرورت نظارت وکیل بر دستیار، ضرورت آموزش مستمر دستیار و تعهد دستیار بر امانت‌داری و حفظ اسرار

از جمله اصول مهم محسوب می‌شوند و چهارچوب کلی روابط دستیاران و وکلای را در نظام حقوقی آمریکا معین می‌کنند.

در نظام حقوقی ایران برخلاف نظام حقوقی آمریکا نه تنها مفهوم دستیار وکیل در قوانین موضوعه شناسایی نشده، بلکه مفاهیم و نهادهای مشابه نیز وجود ندارند. پژوهش حاضر با معرفی و شناسایی این حرفه در نظام حقوقی آمریکا راهنمایی برای قانونگذار است تا با استفاده از تجارب مثبت نظام حقوقی آمریکا، در تعیین شرایط و ضوابط این حرفه به نحو مطلوبی عمل کند. مزایای مهم این حرفه از جمله بهبود خدمات‌دهی به موکلان، امکان قبول پرونده‌های بیشتر، بهبود کیفیت زندگی و کار وکیل، اشتغال‌زایی برای جوانان و حفظ شأن وکیل مؤید آن است که شناسایی این حرفه در نظام حقوقی ایران ضروری است. در عمل در نظام حقوقی ایران نیز شاهد استفاده از دستیاران به صورت غیررسمی هستیم و برخی وکلای جهت استفاده از مزایای دستیار به طور غیررسمی از برخی افراد به‌ویژه کارآموزان وکالت یا وکلای کم‌سابقه به‌عنوان دستیار استفاده می‌کنند. به‌لحاظ فقدان پژوهش داخلی و مطرح نشدن موضوع در پژوهش‌های داخلی، در پژوهش حاضر ضمن تدوین پرسش‌نامه و مصاحبه با تعدادی از وکلایی که در عمل از دستیاران به صورت غیررسمی استفاده کردند، موانع عملی استفاده از دستیاران مورد بررسی قرار گرفت. تجارب وکلای مورد بررسی مؤید آن است که به‌لحاظ مشغله کاری بیشتر وکلای و مسافت مجتمع‌های قضائی به‌ویژه در شهرهای بزرگ، ایجاد امکان قانونی برای استفاده از دستیاران، نیاز و دغدغه بسیاری از وکلای و عدم تعریف حرفه دستیار در قوانین، کارآموز یا وکیل بودن دستیاران فعلی وکلای، نداشتن تحصیلات حقوقی و فقدان آموزش‌های لازم برای دستیار، فقدان تشکیلات خاص قانونی و مشکلات اقتصادی از مهم‌ترین موانع استفاده از دستیاران در حقوق ایران است و در صورت شناسایی این حرفه باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. علاوه بر این با توجه به تخصصی و قائم به شخص بودن حرفه وکالت لازم است در تبیین وظایف دستیاران دقت کافی صورت گیرد، با توجه به ماهیت حرفه دستیار، مقررات قانونی در تعیین وظایف دستیاران باید به نحوی عمل کند که اموری که قائم به شخصیت وکیل است، قابل تفویض به دستیاران نباشد. از این رو مشاوره حقوقی، نمایندگی از موکل در محاکم و دفاع، مسئولیت تعیین حق‌الزحمه خدمات حقوقی و مسئولیت پرونده را باید از محدودیت‌های حرفه دستیار به‌شمار آورد و صرفاً وظایف فرعی و اداری همانند تدارک پرونده، پیگیری پرونده و انجام امور اداری و ارتباط با موکلان، قابل تفویض به آن‌ها دانست. در پایان با توجه به موانع و مشکلات مطرح‌شده در خصوص حرفه دستیار در نظام حقوقی ایران، پیشنهادها و راهکارهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. تا زمان تصویب قانون جامع توسط مجلس با تکیه بر نکات مثبت حرفه دستگیری، به منظور ایجاد زمینه‌های پذیرش این حرفه، می‌توان کانون وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه را به صدور دستورات عمل‌هایی در خصوص نحوه استفاده از دستیاران ترغیب کرد. به‌عنوان نمونه این نهادها می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط وکلای مرکز، فارغ‌التحصیلان حقوقی را برای حرفه دستگیری آماده کنند و همچنین می‌توانند با ایجاد مشوق‌هایی همانند معافیت‌های مالی، وکلا را برای استفاده از دستیاران به طور عملی ترغیب کنند.

۲. با توجه به تخصص کانون وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه در موضوع مربوطه، پیش‌نویس قانونی حرفه دستگیری با همکاری این دو نهاد تنظیم و در اختیار نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد. همچنین لازم است این دو نهاد اصول حرفه‌ای نهاد دستگیری را تنظیم و تعهدات اخلاقی و حرفه‌ای وکلا و دستیاران را به‌طور متقابل مشخص کنند. پیشنهاد می‌شود که به‌منظور ایجاد انگیزه برای فارغ‌التحصیلان حقوقی برای ورود به حرفه دستگیری، سازوکار ارتقای شغلی دستیاران بعد از کسب تجارب لازم توسط این نهادها در این پیش‌نویس پیش‌بینی شود. برای مثال می‌توانند مقرر کنند که به دستیاران با سابقه کار مستمر چند سال با تأیید وکیل و عدم وجود تخلفات و با طی کردن دوره‌های آموزش تخصصی در کانون وکلا پروانه وکالت پایه یک داده خواهد شد.

۳. تنظیم لایحه الحاق کرسی دستیاران به لایحه استقلال کانون وکلا یا قوانین مرتبط توسط اسکودا و مرکز وکلای قوه قضائیه با ایجاد کانون دستیاران زیر نظر کانون وکلای دادگستری یا مرکز وکلای قوه قضائیه.

۴. توجه به ایجاد حرفه دستگیری به‌صورت رسمی و قانونمند و بیان دقیق شرایط دستیاران، نحوه آموزش و پذیرش دستیار، حقوق و وظایف و تعهدات دستیاران، نظام حقوق و دستمزد و تنظیم تعرفه قانونی برای پرداخت دستمزد، تأسیس مرجع انتظامی برای نظارت بر عملکرد دستیاران در قوانین موضوعه.

۵. تمرکز بر حرفه دستگیری به‌عنوان نهادی مستقل از وکالت تا راه سوءاستفاده و جذب موکل توسط دستیاران مسدود شود.

۶. با گسترش بازار کار وکلا و اجباری کردن حضور وکیل در برخی دعاوی، انگیزه استفاده از دستیاران را برای وکلا افزایش داد.

۷. معرفی حرفه دستگیری به عموم و فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های عمومی به‌منظور ایجاد زمینه‌های پذیرش حرفه دستگیری.

منابع

الف) منابع فارسی

- باقرزاده اصل، حسین (۱۴۰۰)، «علل اطاله دادرسی در دعاوی مدنی و راه‌های پیشگیری از آن»، **تحقیقات حقوقی قضائی**، شماره ۴.
- صفری، ناهید (۱۴۰۰)، **درآمدی بر نظام دادرسی مدنی آمریکا**، مراغه: انتشارات دانشگاه مراغه.
- صفری، ناهید، و آرتین جهان‌شاهی (۱۳۹۹)، «حق الوکاله‌های مشروط و احتمالی»، **مطالعات حقوقی**، شماره ۲.
- کشاورز، بهمن (۱۳۹۰)، «آسیب‌شناسی وکالت دعاوی»، **مدرسه حقوق**، سال ۶، شماره ۶۳.

ب) منابع انگلیسی

- American Bar Association Standing Committee on Paralegals (2018), *Aba Model Guidelines for the Utilization of Paralegal Services*.
- Buchholz, R. M., E. Cassidy Chivers, et al. (2021), *Regulation of the Legal Profession in the United States: Overview*.
- Campbell, J., & the American Bar Association Standing Committee on Paralegals (2005), "The Economic Benefits of Paralegal Utilization", American Bar Association. Chicago. Available at: https://cdn.ymaws.com/www.paralegals.org/resource/resmgr/files/migration/e/economic_benefits_of_paraleg.pdf.
- Cannon, Th. A. (2011), "Ethics and Professional Responsibility for Paralegals", **Wolters Kluwer Law & Business**, New York. 6th ed.
- Crossett, L. (2017), "Regulation of the Paralegal Profession and Programs for Limited Practice by Non-Lawyers", **Prof. law.** 95, available at: <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/profeslwr2017&div=7&id=&page=>
- Hudspeth, G. L. (1952), "Privileged Communications- Attorney and Client-2", **Duke bar journal**.
- Mongue, R. E. (2017), "From Apprentice to Paralegal: The Rise of the Paralegal Profession in America", **Issues Leg. Scholarsh**, No.15(1).
- Nala Code of Ethics and Professional Responsibility (2007).
- Nala- the Paralegal Associations, *Model Standards and Guidelines for Utilization of Paralegals* (2018).
- National Federation of Paralegal Associations (2011), *Paralegal Responsibilities*.
- NFPA Regulation Review Committee (2017), *Paralegal Regulation by State*.
- Open Society Institute (2010), *Community-based Paralegals, A Practitioner's Guide*, New York, United state. Available at <https://www.justiceinitiative.org/uploads/6001868b-f85d-4883-8da7-bdf2ebc93a4c/OSJI-Paralegal-Manual-US-11-05-2014.pdf>.
- Statsky, W.P. (2016), **Introduction to Paralegalism, Perspective, Prioblems, and Skills**, 17 edition. Delmar Cengage Learning.
- Trabucco, L. D. (2020), **The Regulation of Paralegals in Ontario: Increased Access to Justice? Graduate Program in Law**, Osgoode Hall Law School York University Toronto, Ontario.